

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۵

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶

شیعه در مواجهه با ظهور موعود

سیدعلی هاشمی^۱

چکیده

این مقاله در صدد است با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی روایاتی در منابع شیعی بپردازد که از چگونگی روبرو شدن شیعه با ظهور منجی موعود عج و جایگاه آنان در دوران حکومت جهانی آن حضرت خبر می دهند. بر اساس این پژوهش، شیعیان در دوران غیبت، با پشت سر گذاشتن امتحان های مختلف و دشوار، زمینه سازان ظهور شده و اولین و مهم ترین یاران موعود منتظر عج خواهند بود. اختلافات داخلی آنان با ظهور آن حضرت بر طرف شده و آنان بر حسب لیاقت خود در حکومت آن حضرت نقش های اساسی خواهند داشت. عالم نمایان دروغ گو مهم ترین عامل انحراف جامعه شیعی هستند که با حضور حضرت مهدی عج فتنه های آنان پایان می یابد.

واژگان کلیدی

شیعیان، نقش شیعه، منجی، مهدویت، ظهور.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (s.a.h@chmail.ir).

شیعیان خود را منتظران واقعی و یاوران اصلی حضرت مهدی علیه السلام می دانند. ارزیابی این ادعا بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام و شناخت نقاط ضعف و قوت جامعه شیعی در این موضوع، انگیزه اصلی نگارش این مقاله شد. پس از بررسی کتاب ها و مقالات روشن شد که مقاله یا کتابی مستقل در این موضوع نگاشته نشده است. البته کتاب های متعددی به موضوعاتی مانند وظایف منتظران در عصر غیبت یا تحلیل برخی جریان های آستانه ظهور مانند خراسانی و... پرداخته اند که می تواند پشتوانه این تحقیق باشد؛ اما با موضوع این تحقیق متفاوت است.

مراد از موعود در این نوشتار، حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام، یعنی موعود جامعه شیعه امامیه است. و مقصود از عصر ظهور، زمان تحقق قیام آن حضرت و پس از آن (دوران حکومت ایشان) است. نکته دیگر آن که هرگاه در این مقاله به نام شیعه اشاره می شود، مراد شیعه امامیه یعنی دوازده امامی است؛ البته مراد از شیعیان یاد شده، ضرورتاً شیعیان واقعی و ملتزم به باورهای شیعی نیست، بلکه اعم از آنان است و شامل کسانی هم می شود که به عنوان شیعه امامی شناخته می شوند، هرچند در امتحانات سرافراز نباشند.

مباحث این مقاله را می توان در دو محور وضعیت شیعه در آستانه ظهور (دوره امتحان و آمادگی) و پس از آن (دوره همراهی) بررسی کرد. محور اول، حکم مقدمه برای بحث دوم را دارد:

دوران امتحان و آمادگی

صدها سال است که شیعیان در انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام به سر می برند، هر نسلی امیدوار است که ظهور در دوره آنان اتفاق افتاده و انتظار طولانی شان با دیدار موعود پایان یابد. طولانی شدن غیبت، امتحان شیعیان را دشوارتر کرده و در این امتحان برخی سقوط می کنند. روایات متعددی حکایت از آن دارند که در آستانه ظهور، اختلافات جدی میان شیعیان وجود دارد. این اختلافات به حدی است که آنان یک دیگر را لعن کرده و از هم بیزار می جویند. به نمونه ای از این روایات توجه فرمایید:

حَدَّثَنَا أَبُو رَاضِي اللَّهِ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْحَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزْيعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ الْحُسَيْنِ
بْنِ الْمُخْتَارِ الْقَلَّاسِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا

بَقِيَّتُمْ بِلَا إِمَامٍ هُدًى وَلَا عِلْمٍ يَنْبَغُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمَيِّزُونَ وَتُخْصَصُونَ وَ تُغْرَبُونَ... (صديق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۸)؛^۱

حال شما چگونه است زمانی که بدون امامی هدایتگر و پرچمی (که در سایه آن جمع شوید) بمانید، (در چنین شرایطی) برخی از شما از برخی دیگر بیزاری می جویند. در آن هنگام از هم متمایز، خالص و غربال می شوید.

در این نقل، امام صادق علیه السلام وضعیت دوران غیبت را توصیف کرده است. مخاطب این روایت «عبدالرحمن بن سیابه» است که از اصحاب امام صادق علیه السلام و بنابر برخی تحقیقات از معتمدین و خواص آن حضرت بوده (ر.ک: خواجویی، ۱۴۱۳ق: ۷۰). در نتیجه مخاطب کلماتی مانند «أَنْتُمْ» و «بَقِيَّتُمْ»، قاعدتاً جامعه شیعه است. اگر مقصود امام، عموم مردم، اعم از شیعه و سنی بود، از تعبیری مانند «الناس» استفاده می شد؛ افزون بر آن که جامعه اهل سنت در آن دوره نیز از امام هدایتگر محروم بودند؛ زیرا امامت امام صادق علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام را نپذیرفته بودند؛ پس خبر دادن از محرومیت از حضور امام در آینده، قرینه‌ای است بر آن که مخاطب امام، جامعه اهل سنت نیست؛ بلکه جامعه شیعه و دوره مورد نظر، دوره غیبت است که شیعیان، امام خود را به طور ظاهر نمی بینند و پرچم (مرجعیت) واحدی نیز در میان آنان نیست که در سایه آنان جمع شوند.

در چنین شرایطی طبیعی است که عوامل متعددی مانند برداشت‌های مختلف عالمان از قرآن و سنت، فتنه‌انگیزی برخی دنیاطلبان و... موجب بروز اختلاف در میان شیعیان می شود. به این دلیل چنان که در این روایت آمده است، عصر غیبت دوره‌ای دشوار و پرخطر برای جامعه شیعه است؛ اما در مجموع، با پشت سر گذاشتن امتحان‌های دشوار، به تدریج تجربه و رشد بیشتری به دست می آورد و خالص‌تر و آماده‌تر می شود.^۲

توجه شود که روایت یاد شده، از وضعیت آستانه ظهور سخن نمی گوید، بلکه به طور کلی وضعیت شیعه را در دوران غیبت توصیف می کند؛ پس این احتمال وجود دارد که جامعه شیعه با کسب تجربه در طول دوران غیبت، به اتحاد و یکپارچگی برسد؛ اما روایات دیگر نشان

۱. رجال ابن سند موثق و برخی از محدثان برجسته هستند. تنها «عبدالله بن عبدالرحمن الاصم» تضعیف و متهم به غلو شده است که این اتهام برگرفته از دیدگاه ابن غضائری است که شاگردش نجاشی نیز آن را نقل کرده است (ابن غضائری، [بی‌تا]: ج ۱، ۷۶؛ النجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۷) و قابل تأمل است (ر.ک: حائری مازندرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۲۰۴-۲۰۵). چنان‌که در ادامه یاد می شود، محتوای این روایت توسط روایات دیگر تأیید شده است. بنابراین به مضمون آن می توان اطمینان یافت.

۲. در ادامه درباره برخی واژه‌های این روایت مانند «تمحیص»، «تمییز» و «تغریل» سخن خواهیم گفت.

می‌دهد که این اختلافات نه تنها تا زمان ظهور ادامه خواهد یافت، بلکه شدت نیز می‌یابد. به محتوای این روایت توجه فرمایید:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَنْفَلُ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَحَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَحَتَّى يُسَمَّى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ (النعمان، ۱۳۹۷ ق: ۲۰۶)؛^۱

آن امر روی نمی‌دهد مگر این که برخی از شما به صورت برخی دیگر ترف انداخته و برخی از شما برخی دیگر را لعن کند و تا این که برخی از شما برخی دیگر را بسیار دروغگو بنامد.

آن امر، به قرینه دیگر روایات، امر ظهور منجی موعود علیه السلام است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۳۷-۴۳۸). ظهور تعبیری مانند «بَعْضُكُمْ» نشان می‌دهد که مخاطب امام صادق علیه السلام جامعه شیعه است نه اهل سنت. مفهوم جمله ابتدای این روایت آن است که ظهور موعود محقق نمی‌شود، مگر آن که چنین اختلافاتی در جامعه شیعه روی دهد. روشن است که چنین اختلافاتی مطلوب نیست؛ اما خبر از تحقق آن در آستانه ظهور داده شده است. در روایت دیگر پس از خبر دادن از اختلافات شدید میان جامعه شیعی در آستانه ظهور آمده است:

الْحَنِيزُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمًا فَيَرْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۳۷-۴۳۸)؛

تمام خیر در آن (دوره) است؛ (زیرا) قائم ما قیام می‌کند و همه آن (اختلافات) را برطرف می‌کند.

بنابر این روایت، فتنه‌ها و اختلافات داخلی جامعه شیعه با ظهور آن حضرت بر طرف می‌شود. روشن است که باید ارتباطی منطقی بین این اختلافات و ظهور آن حضرت وجود داشته باشد. چنان که اشاره شد، این اختلافات لازمه دوران غیبت امام معصوم و امتحان‌های مختلف آن دوران است و البته ثمره آن، پختگی و خلوص شیعه است که با فراهم شدن آن، موانع ظهور برداشته می‌شود. روایت زیر این پیام را واضح‌تر بیان کرده است:

۱. سند این روایت به جهت مجهول بودن «بَعْضِ رِجَالِهِ» ضعیف است؛ اما محتوای آن توسط روایات دیگر این مجموعه تأیید می‌شود.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ الصَّنِقَلِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَالْحَارِثُ بْنُ الْمُنْغِيرَةِ وَجَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا جُلُوسًا وَابْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْمَعُ كَلَامَنَا فَقَالَ لَنَا فِي أَمْرٍ شَيْءٌ أَنْتُمْ هَهُنَا هَهُنَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى تَغْزَبُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى تُفْضِلُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَغْنِيَكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ (كلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۲۴۹؛ ورك: مشابه آن در النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۹)؛

من، حارث بن مغیره و گروهی از یارانمان (نزد ابوعبدالله الصادق) نشسته بودیم و ابوعبدالله سخنان ما را می شنید. سپس به ما گفت: در چه فکری هستید؟ هرگز! هرگز! نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آن هستید، روی نمی دهد، مگر آن که غریب شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه منتظر آنید، روی نمی دهد، مگر آن که پالایش شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آن هستید، روی نمی دهد مگر آن که (خوب و بد) از هم جدا شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آنید، روی نمی دهد مگر بعد از ناامیدی؛ نه به خدا قسم! آن چه منتظر آن هستید روی نمی دهد، مگر بعد از آن که بدبخت می شود هر آن که شایسته آن است و سعادت می شود، هر که لایق آن است.

در شرایط تاریخی دوره صدور این روایت، شیعیان منتظر ظهور مهدی موعود^۱ بودند و امام صادق^۲ انتظار آنان را اصلاح و جهت دهی کردند (رك: هاشمی، ۱۳۸۹: ش ۴، ۵-۳۴). گویا در این روایت، به مراحل مختلفی از امتحانات شیعیان پیش از ظهور موعود^۳ اشاره شده است: غریب شدن، یعنی تصفیه اولیه جامعه شیعه؛ همانند «غریب» که دانه های درشت را از ریز جدا می کند. در مرحله بعد امتحان، دشوارتر می شود و سخن از تمحیص است. تمحیص خالص ساختن است، همان کاری که با طلا انجام می شود. طلا را در حرارت بالا ذوب می کنند تا ناخالصی های آن جدا شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ج ۱۱، ۳۸). نتیجه این امتحانات، جدا شدن (تمایز) بین دیدگاه های درست و نادرست است. یعنی پس از غریب (تمایز اولیه) و تمحیص، در این مرحله درستی یا نادرستی هر دیدگاه، کاملاً روشن شده و طرفداران آن با شناخت کامل از هم فاصله می گیرند. اکنون می توان روایات دسته قبل را که از اختلافات جدی میان شیعیان در آستانه ظهور خبر می دادند، بهتر فهمید. با این توضیح که چون اختلافات درون جامعه شیعی در نتیجه

۱. سند این روایت به جهت مجهول بودن محمد بن منصور و پدرش، ضعیف است؛ اما محتوای آن توسط روایت مشابه تأیید می شود و قابل اطمینان است.

امتحانات دشوار یاد شده. دقیق تر و مبنایی تر شده، فاصله ها بیشتر می شود و در این حالت، طبیعی است که پیروان هر دیدگاه، دیدگاه های مقابل خود را تحمل نمی کنند.

امتحان دیگری که در این روایت به آن اشاره شده، بروز یک ناامیدی در میان جامعه است. امام در این مورد - برخلاف موارد قبل - نفرمود: شما ناامید می شوید، بلکه فرمود: «بعد از یک ناامیدی»؛ یعنی یک ناامیدی در میان جامعه ظاهر می شود؛ گویا این ناامیدی در سطح عموم جامعه روی می دهد که شامل غیرمسلمانان و اهل سنت هم می شود. این ناامیدی، زمینه ساز درک نیاز به حجت الهی (اضطرار به حجت) است.

استواری برخی شیعیان در این مراحل، موجب می شود که آنان به سعادت حقیقی برسند و افرادی که باوری ضعیف دارند، در مراحل مختلف امتحانات بلغزند. در روایت دیگر نتیجه این امتحان ها چنین بیان شده است:

شِيعَتُنَا يُخَيَّرُونَ وَيُحْصَوْنَ حَتَّى تَبْقَى مِنْهُمْ عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۱ و رک: همان، ۲۱۰)؛

یعنی شیعیان ما (از هم) جدا و پالایش می شوند تا حدی که فقط گروهی باقی می ماند که فتنه ها به آنان ضرری نمی زند. پرورش چنین نسلی، ثمره دوران غیبت است و چنین شیعیانی توان همراهی موعود را برای برپایی حکومت جهانی دارند.

قابل توجه است که در این روایت و برخی روایات دیگر ابتدا از تمییز (جدا شدن آنان) و سپس از خالص تر شدن شیعه (تمحیص) سخن گفته شده (رک: همان، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۱۱) که با محتوای روایت قبلی که در آن ابتدا تمحیص و سپس تمییز آمده، قابل جمع است؛ زیرا در روایات دسته اخیر، ترتیبی بین تمییز و تمحیص بیان نشده بلکه از وقوع تمییز و تمحیص، صرف نظر از ترتیب بین آن ها سخن گفته شده است. بنابراین با روایاتی که نوعی ترتیب از آنان برداشت می شود، مخالفت ندارند. افزون بر آن که ممکن است مراد از تمییزی که قبل از تمحیص است، همان مراحل اولیه جدایی است که در روایت پیشین از آن با عنوان غربال یاد شده است. این تمییز، نتیجه امتحان های اولیه است؛ اما تمحیص، نتیجه امتحان های دشوار و تکمیلی است که جدایی پس از آن غیر از جدایی پس از غربال اولیه است. به هر حال روشن است که تا امتحانی نباشد و غربال یا تمحیصی روی ندهد، تمییزی نخواهد بود.

این گونه روایات نشان می دهند که جامعه شیعه در یک فرایند امتحانی، خالص تر و استوارتر می شود، ابهام ها به تدریج بر طرف شده و ریشه اختلافات روشن تر می شود. در چنین شرایطی

جدایی گروه‌ها، مبنایی بوده و شیعیان حق طلب با پشت سر گذاردن امتحان‌های مختلف، از پختگی، تجربه و ایمان بیشتری برخوردار می‌شوند. خلاصه این فرآیند در این دو آیه شریفه به عنوان سنت الهی بیان شده است:

﴿إِنْ يَنْسَنُكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۱)؛

اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی مانند آن رسید؛ و ما این روزها [شکست‌ها و پیروزی‌ها] را میان مردم می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد.

مطابق این دو کریمه، خداوند سختی‌ها و امتحان‌ها را در میان مردم قرار داده است تا مؤمنان خالص شوند و در نهایت کافران از بین بروند. این همان سنتی است که در جامعه شیعه در دوران غیبت جاری می‌شود و آنان به تدریج پالایش شده و خالص‌تر می‌شوند. از این روایات این گونه به دست می‌آید که حکومت جهانی آن حضرت به یارانی نیاز دارد که درجه بالایی از خلوص و ایمان را داشته باشند. تربیت این افراد با پالایش جامعه شیعه در طول قرن‌ها محقق و در نتیجه موانع ظهور برداشته می‌شود.

این نکته قابل دقت است که به طور طبیعی، فقط عده‌ای اندکی از تمام این امتحانات سرافراز بیرون می‌آیند و بسیاری در مراحل مختلفی از این امتحانات می‌لغزند. روایت زیر نمونه‌ای از روایاتی است که این نکته را به صراحت بیان کرده است:

وَأَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَاللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَعْدُونَ إِلَيْهِ أَغَيْنَكُمْ حَتَّى تُمْتَحِنُوا وَتُمَيِّزُوا وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَلَا تَنْدُرُ (همان، ۲۰۸)؛

به خدا قسم! آن‌چه چشمان‌تان را به آن دوخته‌اید، روی نمی‌دهد مگر آن‌که خالص و جدا شوید و تا این‌که از شما باقی نمی‌ماند، مگر نادرترین از نادرها.

۱. سند این روایت نیز اگر چه به جهت توثیق نداشتن «عبیدالله بن موسی» ضعیف است؛ اما مضمون آن در روایات متعددی نقل شده و قابل اعتماد است. رک: همان، باب ۱۲، ما يلحق الشيعة من التمهيص والتفرق والتشتت عند الغيبة حتى لا يبقى على حقيقة الأمر إلا الأقل الذي وصفه الأئمة □.

مخاطب این روایت، جناب صفوان بن یحیی از اصحاب برجسته و بلندمرتبه امام رضا (ع) است (ر.ک: النجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۹۷؛ خوئی، بی تا: ج ۱۰، ۱۳۴). بنابراین مخاطب امام جامعه شیعه است و مراد از آن چه شیعیان به آن چشم دوخته‌اند و در انتظارش هستند، ظهور موعود منتظر (ع) است که در تمام عصر حضور ائمه (ع)، به طور پرننگ مطرح بوده است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۹: ش ۴، ۳۴۵).

باید توجه داشته که اندک بودن کسانی که از این امتحانات سرافرازانه بیرون می‌آیند، بدان معنا نیست که اکثریت جامعه شیعه به مخالفت با قیام حضرت مهدی (ع) می‌پردازند و با ایشان همراهی نمی‌کنند. آن چه در این گونه روایات بدان تأکید شده، این است که تنها عده اندکی از تمام این امتحان‌ها سربلند بیرون می‌آیند، نه آن که اکثریت شیعیان با آن حضرت مخالفت می‌کنند (توجه شود).^۱

دوره همراهی

آغاز انقلاب مهدوی، با تحولات بسیاری همراه است که مهم‌تر از همه تحولات فرهنگی آن است. روایات نشان می‌دهد که اصلاحات دینی در این دوره به اندازه‌ای است که می‌توان از آن به آوردن دین جدید یاد کرد:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَخَوَايَ مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ ابْنَا الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ وَعَنْ جَمِيعِ الْكُتَّابِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ كَامِلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ (النعماني، ۱۳۹۷ ق: ۳۲۱)؛^۲

زمانی که قائم ما قیام کند، مردم را به امر جدیدی فرا می‌خواند، چنان که رسول خدا به آن فرا خواند. اسلام در ابتدای ظهورش غریب بود و به زودی دوباره مانند آغازش غریب خواهد شد. پس خوشا به حال غریبان!

تعبیر «چنان که رسول خدا (ص) به آن فرا خواند» اشاره به آن دارد که دعوت حضرت مهدی (ع) نیز همانند دعوت پیامبر اکرم (ص)، جدید و متفاوت با باورهای مردم زمان‌شان

۱. چنان که در ادامه بیان می‌شود اکثریت جامعه شیعه با امام همراهی دارند؛ هرچند عده‌ای اندک یاران اصلی ایشان به شمار می‌آیند که در مدیریت جهان او را یاری می‌کنند.
۲. در این کتاب، بابی به این موضوع اختصاص یافته و پنج روایت نقل شده که محتوای یک‌دیگر را تأیید می‌کنند. ر.ک: همان، ۳۲۰-۳۲۲.

است. گویا مراد از جمله «خوشا به حال غریبان» این است که خوشا به حال کسانی که به خاطر فاصله نگرفتن از تعالیم اسلام، با غربت اسلام، آنان نیز غریب می‌شوند. اینان به جهت همراهی اسلام در دوران غربتش، جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند متعال دارند و به این جهت امام علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال آنان! در اشاره به غربت اسلام، این نکته نیز نهفته است که دعوت موعود علیه السلام، در واقع دعوتی غیر از دعوت به اسلام حقیقی نیست؛ بلکه اصلاح انحرافات همان اسلام اصیل است که گرفتار غربت شده است.

به طور طبیعی مخاطب این روایات، غیر شیعیان است؛ زیرا جریان اهل سنت با فاصله گرفتن از معارف اهل بیت علیهم السلام، چنان از اسلام واقعی دور شده‌اند که بازگرداندن آنان به مسیر اصلی، شبیه آوردن دین جدید برای آنان است. اصلاحات مهدوی - هرچه که باشد - در میان جامعه شیعه مورد توقع است و مواجهه آنان با این معارف، همانند برخورد با دین جدید و انکار و نافرمانی نخواهد بود.^۱ در برخی از این روایات آمده است که این اصلاحات از اصلاح جامعه عرب جاهلی دشوارتر است:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ عَفْةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنَ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَغْبُدُونَ الْحَجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخُشْبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ عليه السلام (النعماني، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷)؛^۲

زمانی که قائم ما قیام کند، به جهالتی از سوی مردم روبرو می‌شود که از جهالت جاهلیتی که رسول خدا صلى الله عليه وآله با آن روبرو شد، شدیدتر است. گفتم: چگونه چنین حالتی روی می‌دهد؟ فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در هنگامی که نزد مردمی آمد که آنان سنگ‌ها، صخره‌ها، چوب‌های تراشیده و تتراشیده را می‌پرستیدند ولی زمانی که قائم ما قیام کند، در حالی که نزد مردم می‌آید که همه آنان کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و با آن علیه او استدلال می‌کنند.

۱. روایاتی که در ادامه می‌آید همین مطلب را تأیید می‌کند.

۲. تنها ابهام سندی این روایت «محمد بن مروان» است که مردد بین چند نفر است که توثیق ندارند ولی با توجه به روایات دیگری که همین مضمون را با سندهای دیگر نقل کرده‌اند، می‌توان به محتوای آن اطمینان یافت. دو روایت دیگر نیز در این منبع به دنبال روایت یاد شده نقل شده که مضمون مشترکی با آن دارند.

در این روایت، برخورد عموم مردم «الناس» گزارش شده که چنین تعبیری اشاره به عموم مسلمانان (غیر شیعه امامی) اشاره دارد؛ زیرا چنان که گفته شد، چنین برخوردی با شرایط فکری و فرهنگی اهل سنت هماهنگ است، نه با روحیه جامعه شیعی که در انتظار آن حضرت و اصلاحات ایشان هستند.

روایت زیر برداشت یاد شده را تأیید می‌کند. بیشترین نزدیکی و آشنایی با آرمان‌ها و تعالیم مهدوی را در میان جامعه شیعه می‌توان یافت. به همین جهت، شیعیان اولین بیعت‌کنندگان با امام زمان (عج) خواهند بود:

الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكَوْفِيِّ عَنْ وَهْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... لَكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمَحْرَمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ جَبْرِئِيلُ (ع) عَنْ يَدِهِ الْيَمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُظَوِّي هُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (مفید ۱۴۱۳، ج ۲، ۳۷۹؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۴۶۲)؛

گویا روز شنبه دهم محرم را می‌بینم که (موعود ع) بین رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در سمت راست او است. به بیعت فرا می‌خواند و شیعیان از اطراف زمین به سرعت نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند و خداوند به وسیله او زمین را از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده بود.

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که بیعت‌کنندگان و یاران اولیه حضرت مهدی (عج)، همان شیعیان ایشانند که از مناطق مختلف زمین دور او جمع می‌شوند. دیگران به طور طبیعی، پس از ایمان به امامت و مهدویت ایشان در مراحل بعد به ایشان ملحق خواهند شد. در روایت دیگر آمده است که زمان قیام حضرت حجت (عج)، زمان شادی و عزت شیعیان اهل بیت (ع) است (النعمانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ۱۴۴).^۲ این روایت محتوای روایت پیشین را تأیید کرده و نشان می‌دهد که حامیان اصلی قیام آن حضرت، شیعیان هستند.

هرچند از برخی روایات می‌توان دریافت که برخی غیر شیعیان نیز با یافتن حقیقت، به آن حضرت ایمان می‌آورند، چنان که برخی از شیعیان نیز گرفتار لغزش می‌شوند (النعمانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ۳۱۷)؛^۳ اما روایات یاد شده و روایت زیر نشان می‌دهند که تکیه اصلی این انقلاب بر

۱. سند این روایت به دلیل ضعیف بودن محمد بن علی الكوفي، ضعیف است؛ اما محتوای کلی آن (یاری امام زمان ع) به وسیله شیعیان) به وسیله روایاتی که در ادامه می‌آید، تأیید می‌شود.

۲. «... أَلَا ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ سُورُؤُ وَلِدِ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ».

۳. «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (ع) خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ».

شیعیان است. روایت زیر از شیعیان به عنوان حاکمان زمین در دوره امام عصر علیه السلام یاد کرده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِيِّ بْنِ عَامِرٍ الْقَصْبَانِيِّ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَلِّيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ثَوْبَرِ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاثَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كُزْبَرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَمَامَهَا (صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۵۴۱:۱)

زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل آفات را از شیعه بر می دارد و قلب های آنان را مانند پاره های آهن (استوار) می سازد. توان مردی از آنان را برابر با چهل مرد می سازد و آنان حاکمان زمین و بزرگان آن خواهند شد.

این تعبیر که «آنان حاکمان زمین و بزرگان آن می شوند»، جایگاه ممتاز شیعیان را در حکومت مهدوی به خوبی نشان می دهد. این که آفات از شیعه برداشته می شود، یعنی ضعف ها و اختلافات آنان با ظهور موعود علیه السلام برطرف می شود و بر قدرت و توان ظاهری و معنوی آنان افزوده می شود.

در روایتی دیگر عبدالحمید واسطی گفت وگویی با امام باقر علیه السلام دارد که محتوای روایت پیشین را تأیید می کند. او در قسمتی از این گفت وگو از امام پرسیده: «آیا در آن زمان (زمان ظهور موعود علیه السلام) ما (شیعیان) و بقیه مردم برابرند؟» امام باقر علیه السلام پاسخ دادند: «لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ سَمَامُ الْأَرْضِ وَ حُكَّامُهَا، لَا تَسْعُنَا فِي دِينِنَا إِلَّا ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۱، ۲۰۱:۲)؛ خیر، شما در آن روز بزرگان زمین و حاکمان آن هستید. دین ما (دیدگاهی) غیر از این را بر نمی تابد.

تعبیر پایانی روایت، قابل توجه و بدین معنا است که چنین مطلبی (پیشگامی شیعه در عصر ظهور) مطابق معارف دینی است؛ یعنی طبیعی است که شیعیانی که بیش از دیگران با معارف اهل بیت علیهم السلام آشنا بوده و تحت تربیت آنان قرار گرفته اند، جلودار دیگرانند.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ.

۱. «الحسن بن ثوبیر» توثیق ندارد؛ اما می توان این حدیث را معتبر دانست؛ زیرا احادیث دیگری، همین مضمون آن را نقل کرده اند. (ر.ک: عده ای از محدثان، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۱، ۲۰۱؛ مفید (۱)، ۱۴۱۳ ق: ۸)

۲. سند این حدیث به خاطر توثیق صریح نداشتن «عبدالحمید الواسطی» ضعیف است؛ اما محتوای این حدیث چنان که در پاورقی روایت پیشین بیان شد، با سندهای دیگری نیز نقل شده است که موجب اطمینان می شود؛ افزون بر آن که بعید نیست، عبدالحمید واسطی نیز با توجه به محتوای روایاتی که نقل کرده، توثیق شود. (ر.ک: نوری، ۱۴۱۷ ق: ج ۸، ۱۱۲)

در برخی روایات خبر داده شده است که شیعیان در آن دوره، معارف قرآنی را به دیگران آموزش می‌دهند (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۷-۳۱۸).^۱ این گونه روایات نیز تأییدی بر برداشت یاد شده است که شیعیان اصلی‌ترین یاوران موعود منتظر^{علیه السلام} بوده که بیش از دیگران با آموزه‌هایی اسلام حقیقی آشنا هستند.

پس از اثبات همراهی کلی جامعه شیعی با آن حضرت باید به این نکته توجه کرد که همه شیعیان در یک سطح معرفتی و ایمانی نیستند. روایات پیشین که از شیعه به طور مطلق سخن می‌گویند، به کلیت جامعه شیعه اشاره دارد. یعنی جامعه شیعی - در یک نگاه کلی - پیشگامان یاری آن حضرت و حاکمان زمین خواهند بود؛ اما طبیعی است که همه آنان از ارکان حکومت ایشان به شمار نمی‌آیند. به یاد داریم که روایات مباحث ابتدایی (شیعه در آستانه ظهور) نشان داد که تنها، عده اندکی از شیعیان تمام امتحانات را با موفقیت پشت سر می‌گذرانند. جمع بین آن روایات و روایات اخیر، این است که با آمدن امام زمان^ع و اصلاحات ایشان، اختلافات جامعه شیعه بر طرف می‌شود و جامعه شیعی به طور کلی یاوران آن حضرت خواهند بود؛ اما این بدان معنا نیست که همه آنان حاکمان زمین و بزرگان جهانند. به طور طبیعی در میان همان جامعه همراه با امام، برخی نیازمند هدایت یافتن و مدیریت شدن هستند و برخی پیشگامان هدایت و پیشوایان مردم هستند. روایت زیر همین برداشت را تأیید می‌کند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۷۲-۶۷۳)^۲

گویا به قائم^ع که بر منبر کوفه نشسته می‌نگرم، در حالی که سیصد و سیزده مرد، به تعداد اهل بدر در اطراف او هستند. آنان صاحبان پرچم و آنان حکام از سوی خداوند

۱. «أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الثَّمَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ وَ مُحَمَّدُ ابْنَا عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَبَّاحِ الْمُرَزِيِّ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ عَنْ حَبَّةِ الْغَزَوِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ صُرُّوا الْفَسَاطِيطُ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ أَمَّا إِنْ قَائِمَتَا إِذَا قَامَ كَسْرُهُ وَ سَوَى قِبَلَتَهُ». سند روایت به جهت توثیق نداشتن «الحارث بن حصيرة» ضعیف است؛ اما مباحث گذشته محتوای آن را تأیید می‌کند. در این روایت، مشخص نیست که این رویداد مربوط به چه زمانی است. اما از روایات مشابه آن می‌توان دریافت که به زمان ظهور اشاره دارد. (ر.ک: همان، ۳۱۹)

۲. سند این روایت به دلیل مجهول بودن «احمد بن ابی عبدالله کوفی» و پدرش، ضعیف است؛ اما محتوای این روایت توسط روایات دیگر این مجموعه تأیید می‌شود و قابل اطمینان است.

در زمین بر بندگانش هستند.

ضمایر «هُم» در این روایت، به همان سیصد و سیزده نفر از یاران آن حضرت باز می‌گردد. بنابراین حدیث، این تعداد از یاران موعود علیه السلام، حاکمان زمین خواهند بود. جمع بین این روایت با روایات پیشین که از حکومت شیعیان و بزرگی آنان خبر می‌داد به این است که هر کس به اندازه درجه ایمانی و معرفتی خود در همراهی قیام حضرت مهدی علیه السلام نقش دارد. حاکمان اصلی همان سیصد و سیزده نفرند و شماری دیگر به طور طبیعی در سطوح مختلف مدیریتی به حکومت آن حضرت یاری می‌دهند و البته عده‌ای نیز وجود دارند که فقط در تحت مدیریت و حکومت ایشان زندگی می‌کنند و صلاحیت حضور در مجموعه مدیران آن حضرت را ندارند.

با این توضیح، می‌توان به این نتیجه رسید که روایات یاد شده با هم قابل جمع بوده و هر کدام به بخشی از جایگاه شیعه در دوره حضور حضرت حجت علیه السلام اشاره دارند. شیعیان - به طور کلی - اولین و مهم‌ترین یاران آن حضرت خواهند بود و البته برگزیدگان آنان - به حسب صلاحیت‌شان - در حکومت آن حضرت، نقش مدیریتی و حکومتی خواهند داشت.

ممکن است گفته شود که هنوز در این مقاله توضیح کافی برای رابطه اختلافات شدید یاد شده در میان جامعه شیعه در آستانه ظهور و همراهی حداکثری آنان با حکومت مهدوی ارائه نشده است. در پاسخ می‌توان گفت که آن اختلافات شدید، افزون بر زمینه‌های طبیعی یاد شده مانند غیبت امام معصوم و اختلاف برداشت‌های عالمان دینی، ناشی از انحرافات است که در بخشی از جامعه شیعه توسط فتنه‌گرانی منحرف ایجاد می‌شود؛ اما با از بین رفتن این منحرفان در ابتدای دوره حضور، عامل این اختلافات برطرف شده و عموم جامعه شیعه در یاری آن حضرت هم‌صدا می‌شوند. روایت زیر همین نکته را بیان کرده است:

هَمْدَوِيهِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِ الشَّيْعَةِ فَقَتَلَهُمْ (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۹)؛

اگر قائم ما قیام کند، (کار خود را) از دروغ‌گویان (میان) شیعه شروع می‌کند و آن را می‌کشد.

بنابر این حدیث، اولویت اقدامات امام زمان علیه السلام، اصلاح جامعه شیعه است و سپس به امور

دیگر مسلمانان و جهانیان می‌پردازد. تعبیر «دروغ‌گویان شیعه» نشان می‌دهد که این افراد به ظاهر شیعه هستند؛ اما در حقیقت دروغ‌گویان بی‌ایمانی هستند که ریشه اصلی اختلافات جامعه شیعه به شمار می‌آیند. روایت زیر نشان می‌دهد که این دروغ‌گویان، گروهی از عالم‌نمایان به ظاهر شیعی هستند:

وَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ ابْنَا الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ صَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا مَالِكُ بْنُ صَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا وَ شَتَكَ أَصَابِعَهُ وَ أَدْخَلَ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ الْحَيُّزُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا فَيَقْدِمُ سَنَعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۶)؛

ای مالک بن صمره! (حال) تو چگونه است، وقتی که شیعیان این گونه با هم اختلاف می‌کنند. (امام در این هنگام) انگشت‌های خود را در داخل یک دیگر کردند. گفتم: ای امیر مؤمنان! خیری در آن زمان نیست. فرمود: تمام خیر در آن (زمان) است. ای مالک! در آن هنگام، قائم ما قیام می‌کند. هفتاد نفر از دروغ‌گویان را - که بر خداوند و پیامبرش دروغ می‌بندند - پیش آورده و آنان را می‌کشد. سپس خداوند (دیدگاه) آنان را بر امر واحدی جمع می‌کند.

این روایت به روشنی به دو بحث یاد شده اشاره دارد: یعنی از طرفی از اختلافات جدی جامعه شیعه در آستانه ظهور خبر می‌دهد و از طرفی ریشه آن را عالمان دروغ‌پرداز معرفی کرده است که با از بین رفتن آنان توسط امام زمان ﷺ در ابتدای دوره حضور، اختلافات از میان جامعه شیعی برطرف می‌شود. تعبیر «دروغ‌پردازی که بر خدا و پیامبرش دروغ می‌بندند»، ضمن هماهنگ بودن با محتوای روایت پیشین، نشان می‌دهد که دروغ‌گویان یاد شده، عالمان‌نمایی هستند که با تمسک دروغین به کتاب و سنت موجب پدید آمدن اختلاف و انحراف در جامعه شیعی می‌شوند. به عبارت دیگر اختلافات یاد شده در جامعه شیعه ناشی از اجتهادهای متفاوت فقهای وارسته و متعهد نیست که اگر چنین بود، با آمدن امام زمان ﷺ به راحتی برطرف می‌شد و دیگر نیاز به از بین بردن آن افراد نبود. این اختلافات ناشی از

۱. سند این روایت نیز مشکل چندانی ندارد. بقیه افراد سند به جز دو نفر توثیق دارند. (الهیثم) ابوکهمس که توصیفی ندارد و «مالک بن صمره» که از رجال کامل الزیارات است. محتوای این روایت، چنان که از مباحث گذشته روشن شد، با مجموعه‌ای از روایات تأیید می‌شود و اطمینان بخش است.

عالم نمایان منحرفی است که با نسبت دادن دروغین برخی امور به دین یا موجه نمایاندن برداشت‌های نادرست خود از قرآن و سنت، موجب انحراف شیعیان می‌شوند. تعبیر «هفتاد مرد»، احتمال دارد که نشانه زیادی این افراد باشد. بنابراین باید در عصر غیبت، به خطر تحریف و اختلاف افکنی عالم نمایان بی‌تقوا در میان جامعه شیعه توجه جدی داشت. روایت دیگری نیز وجود دارد که ممکن است گمان شود به این گروه از عالم نمایان شیعی اشاره دارد. به متن آن توجه فرمایید تا درباره محتوای آن تأمل کنیم:

حَدَّثَنِي هَمْدُونُ بْنُ نَصْرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى. بَنِي عُبَيْدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ قُلُوبِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ ابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ، قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَ الرَّيِّ إِلَيْنَا وَ انْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجَكُمْ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا وَ تَكَلَّمْ مُتَكَلِّمُنَا ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ سَرَائِعَ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله لِأَنْتَكُمُ أَهْلُ الْبَصَائِرِ فِيكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ كُنَّا شَدِيداً، ثُمَّ لَمْ تَسْتَقِيمُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ طَرِيقِهِ إِلَّا مِنْ تَحْتِ حَدِّ السَّيْفِ فَوْقَ رِقَابِكُمْ، إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله رَكِبَ اللَّهُ بِهِ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَ بَدَّلُوا وَ حَرَفُوا وَ زَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَ نَقَصُوا مِنْهُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَ هُوَ مُنْحَرِفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۱۳۹-۱۴۰)؛

بر شما باد به تسلیم و بازگرداندن (آن چه نمی فهمید) به ما و منتظر بودن برای امر (حکومت) ما و گشایش ما و گشایش (کار) خودتان. اگر قائم ما قیام کند و سخن‌گوی ما سخن بگوید و آموزش قرآن، تعالیم دین، احکام و واجبات را برای شما دوباره آغاز کند، آن‌طور که خداوند بر محمد صلى الله عليه وآله نازل کرد، در آن روز، صاحبان بصیرت شما به سختی انکار می‌کنند و شما بر دین خدا و راه او استوار نمی‌مانید مگر در سایه تیزی شمشیر بر گردن‌هایتان. خداوند پس از پیامبرش صلى الله عليه وآله، سنت اقوام پیش از شما را بر مردم جاری کرد؛ پس تغییر دادند، جایگزین کردند، تحریف کردند و افزودند در دین خدا و کاستند از آن. چیزی نیست که امروزه مردم بدان ملتزم باشند، مگر آن که تحریف شده است.

در این روایت، از لغزش کسانی که اهل بصیرت شمرده می‌شوند، سخن گفته شده است؛ اما دلیل روشنی که نشان دهد این توصیف درباره عالمان شیعی است، در آن وجود ندارد؛ بلکه

۱. این حدیث با دو سند نقل شده است و هر دو سند صحیح است.

شواهد نشان می‌دهد که این تعبیر به عالمان اهل سنت اشاره دارد؛ زیرا اولاً، در آن تعبیر «أَهْلُ الْبَصَائِرِ فِيكُمْ» آمده نه «أَهْلُ الْبَصَائِرِ مِنْكُمْ»؛ یعنی کسانی که در میان جامعه شما به اهل بصیرت شناخته می‌شوند نه آن که این افراد از شما هستند. شاهد دیگر این است که تحریفاتی که در ادامه روایت بیان شده و توضیح دلیل انکار و مقابله این افراد با امام مهدی علیه السلام است، به تحریفات اهل سنت در معارف اسلامی اشاره دارد. یک بار دیگر به این فراز روایت توجه فرمایید:

إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ رَكِبَ اللَّهُ بِهِ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَبَدَّلُوا وَحَرَّفُوا وَزَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَنَقَصُوا مِنْهُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَهُوَ مُنْحَرِفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.

چنان که دیده می‌شود این فراز، ظهور روشنی در بیان انحرافات دارد که در جامعه اسلامی پس از پیامبر توسط پیشوایان اهل سنت ایجاد شد. بنابراین به نظر می‌رسد این روایت به جامعه شیعی مربوط نیست.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج این نوشتار را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. بروز اختلافات جدی در آستانه ظهور در میان جامعه شیعی نتیجه اجتناب‌ناپذیر عصر غیبت است. بنابراین تلاش برای فهم دقیق و مبنایی معارف دینی و آموزش آن به دیگران باید در زمره برنامه‌ها و اقدامات جدی عالمان روشن‌گر و مراکز دینی ما باشد.
۲. بالاتر رفتن تحمل‌پذیری جامعه شیعه در اختلافات غیر مبنایی، کار پسندیده‌ای است که باعث می‌شود، زمینه سوءاستفاده فتنه‌انگیزان کم‌تر و شفافیت اختلافات مبنایی بیشتر شود.
۳. شیعه برای رسیدن به عصر ظهور، باید آزمون‌های سختی را با موفقیت پشت سر بگذراند. توجه و تأکید پیوسته بر بصیرت‌افزایی در حوزه معارف و استواری و اقدامات بایسته در مقام عمل، راه درست سرافرازی در این امتحان‌ها است.
۴. امید دادن به جامعه شیعه و تأکید بر نقش مثبت و برجسته آنان به عنوان اولین یاران و مهم‌ترین ارکان حکومت مهدوی می‌تواند زمینه، انتظار صحیح و پویا را فراهم کرده و آنان را برای به عهده گرفتن این مسؤولیت‌ها در آن زمان آماده سازد.
۵. توجه به خطر عالمان منحرف - به عنوان مهم‌ترین چالش آینده جامعه شیعی - و شناخت شاخصه‌های انحراف از ضرورت‌های مباحث معرفتی جامعه شیعه است.

- ابن غضائری، احمد بن ابی عبد الله، كتاب الضعفاء، رجال ابن الغضائری، [بی نا]، قم، [بی تا].
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۶ق.
- خواجهوی، محمد اسماعیل، الفوائد الرجالية (للخواجونی)، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین وتمام النعمة، دار الکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۹۵ق.
- _____، الخصال، جامعة مدرسين حوزه علمية قم، قم، ۱۳۶۲ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، الغیة / کتاب الغیة للحجة، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
- عده ای از محدثان، الأصول الستة عشر، مؤسسة دار الحديث الثقافية، قم، ۱۴۲۳ق / ۱۳۸۱ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، إختيار معرفة الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الحديث، قم، ۱۴۲۹ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
- _____، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، کنگرة شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چ ۶، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ۱۳۶۵.
- نعمانی (ابن ابی زینب)، محمد بن ابراهیم، الغیة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- نوری (محدث)، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چ ۱، ۱۴۱۷ق.